

از سمند رزم تا اسبان جان

اسب در اندیشه و هنر ایرانی از عصر باستان تا صفویه



ناهید جعفری دهکردی



به نام آن که جان را فکرت آموخت

از سمندِ رزم تا اسبانِ جان
اسب در اندیشه و هنر ایرانی از عصر باستان تا صفویه

ناهید جعفری دهکردی

سیرنسیاسه	جعفری-دهکردی، ناهید، ۱۳۶۰، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	از سمند رزم تا اسبان جان: اسب در اندیشه و هنر ایرانی از عصر باستان تا صفویه به اهتمام ناهید جعفری-دهکردی؛ ویراستار علیرضا عفری-حافظ
مسئعصاب نشر	بهران: نایماز، ۱۳۹۶.
منشعصاب طاهرى	۱۸۲ ص: مصور (رنگی)، جدول (رنگی): ۱۳/۵ × ۲۱/۵ سم.
سابق	978-600-403-306-0
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه.
عنوان دیگر	اسب در اندیشه و هنر ایرانی از عصر باستان تا صفویه
موضوع	اسبها در ادب
موضوع	Horses in literature
موضوع	اسبها--ایران
موضوع	Horses--Iran
سبب افروده	عفری-حافظ، علیرضا، ۱۳۶۰، ویراستار
رده سدی کنگره	۱۳۹۶ ۱۳۴۶ الف/۰۹ PIR۲۰۰۹
رده سدی دیوبی	۸۵۰/۸۲۶۲
سفره کتبسناسی ملی	۲۷۱۲۹۲۲

انتشارات تایماز

از سمند رزم تا اسبان جان

اسب در اندیشه و هنر ایرانی از عصر باستان تا صفویه

ناشر: تایماز

مؤلف: ناهید جعفری-دهکردی

ویراستار: علیرضا عفری-حافظ

مدیر اجرایی: مجید باشعور

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

چاپ و صحافی: تایماز

شمارگان: ۵۰۰

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۳-۳۰۶-۰

حق چاپ محفوظ و متعلق به مؤلف می باشد.



آدرس: تهران - خیابان انقلاب - خیابان فخررازی - خیابان وحید نظری غربی - پلاک ۸۵ - طبقه ۳

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۲۷۴۴ موبایل: ۰۹۱۲۷۲۴۴۵۳۵ ایمیل: taymazpub@yahoo.com صندوق پستی:

تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۷۲۰۵۴ تلگرام: ۰۹۱۴۴۰۹۹۷۵۸ ایمیل: taymazpub@gmail.com تهران ۱۳۱۴۵-۶۴۸

فهرست

پیشگفتار.....	۹
فصل اول : اسب در اسطوره و تاریخ ایران	۱۱
درآمد.....	۱۲
جلواره، نمادی برای تقدیس حیوانات.....	۱۶
سپیده‌دم سوارکاری در ایران.....	۲۰
از ورود اسب به ایران تا فرجام هخامنشی.....	۲۰
دوره اشکانی و ساسانی.....	۳۰
برآمدن صفویان.....	۳۹
خاستگاه‌های اسبان اصیل.....	۴۶
آذربایجان.....	۴۶
آناتولی.....	۴۶
آسیای مرکزی.....	۴۷
عربستان.....	۴۷
مصر.....	۴۹
مازندران و گیلان.....	۵۰
فصل دوم : اسب در ادبیات فارسی	۵۱
اسب در دایره لغت فارسی.....	۵۲
فصل سوم : اسب در مذهب و فرهنگ	۹۷

فصل چهارم : تصاویر ۱۲۳

منابع ۱۴۸

کتاب‌های فارسی ۱۴۸

مقالات فارسی ۱۶۰

پایان نامه فارسی ۱۶۱

کتاب‌های عربی ۱۶۱

کتاب‌های ترکی ۱۶۲

کتاب انگلیسی ۱۶۲

پی‌نوشت‌ها ۱۶۳

فهرست تصاویر

- تصویر شماره ۱: غارنگاره‌های کشف‌شده در فرانسه..... ۱۲۴
- تصویر شماره ۲: تصویر مردان و اسبان در نگاره‌ای از غار دوشه..... ۱۲۴
- تصویر شماره ۳: گردونه هخامنشی یافته‌شده از تاجیکستان..... ۱۲۵
- تصویر شماره ۴: صفحه فلزی شکم‌بند از ماورای قفقاز..... ۱۲۵
- تصویر شماره ۵: نقش جام حسن‌لو..... ۱۲۶
- تصویر شماره ۶: نقش شیر و شیربان بر روی جام حسن‌لو..... ۱۲۶
- تصویر شماره ۷: نگاره خواجه باغ‌سوار..... ۱۲۷
- تصویر شماره ۸: جل‌واره اسب لژیونرهای رومی..... ۱۲۸
- تصویر شماره ۹: نمونه‌ای از نقش‌های تزینی سفالینه‌های ایران باستان..... ۱۲۸
- تصویر شماره ۱۰: نمونه‌ای از قفل‌های قدیمی ایرانی..... ۱۲۹
- تصویر شماره ۱۱: ریتون مکشوف از ماکو..... ۱۲۹
- تصویر شماره ۱۲: ظروف سفالین سیلک..... ۱۳۰
- تصویر شماره ۱۳: ظرف سه‌قلو ۷۰۰ تا ۸۰۰ سال پیش از میلاد..... ۱۳۰
- تصویر شماره ۱۴: سربازان آشوری سوار بر ارابه جنگی خود..... ۱۳۱
- تصویر شماره ۱۵: فرش پازیریک..... ۱۳۱

- تصویر شماره ۱۶: سواره نظام هخامنشی بر حاشیه فرش پازیریک..... ۱۳۲
- تصویر شماره ۱۷: اسب سوار ایرانی با اسبی جل آراسته..... ۱۳۲
- تصویر شماره ۱۸: قسمتی از یک بازسازی ذهنی از تخت جمشید..... ۱۳۳
- تصویر شماره ۱۹: سرستون های تخت جمشید با نقش های شیر..... ۱۳۳
- تصویر شماره ۲۰: سواره نظام اشکانی با اسب خود..... ۱۳۴
- تصویر شماره ۲۱: صحنه دریافت نشان شهریاری توسط اردشیر بابکان..... ۱۳۴
- تصویر شماره ۲۲: ظرف آب خوری از دوره صفوی..... ۱۳۵
- تصویر شماره ۲۳: اسبان و جنگ آورانی که با زین ابزار زرین..... ۱۳۶
- تصویر شماره ۲۴: حنا آندایی پاهای اسبان..... ۱۳۶
- تصویر شماره ۲۵: صحنه از میدان نبرد که اسبان را با..... ۱۳۷
- تصویر شماره ۲۶: برگستوان زر نشان..... ۱۳۸
- تصویر شماره ۲۷: برگستوان تن پوش زر نشان..... ۱۳۹
- تصویر شماره ۲۸: صفحه هفتم نسخه فرس نامه مک گیل کانادا..... ۱۳۹
- تصویر شماره ۲۹: فرس نامه، رساله فی الخیول، کتاب خانه ملی قطر..... ۱۴۰
- تصویر شماره ۳۰: مردی سوار بر اسب بالدار خود در حال عروج به آسمان..... ۱۴۱
- تصویر شماره ۳۱: ماهان متوجه می شود که اسبش..... ۱۴۲
- تصویر شماره ۳۲: طرح نقش برجسته ای که در آن نینورته..... ۱۴۳

- تصویر شماره ۳۳: پیامبر در معراج خود، سوار بر براق..... ۱۴۳
- تصویر شماره ۳۴: نگاره معراج پیامبر در نسخه خطی حمله حیدری..... ۱۴۴
- تصویر شماره ۳۵: طرح اسب بالدار بر حاشیه فرش پازیریک..... ۱۴۴
- تصویر شماره ۳۶: حیوانات بالدار مکشوفه از ایران باستان..... ۱۴۵
- تصویر شماره ۳۷: یکی از نقش مهرهای حاوی تصویر حیوانات بالدار..... ۱۴۵
- تصویر شماره ۳۸: گاو بالدار بر روی یک بشقاب..... ۱۴۶
- تصویر شماره ۳۹: اسب بالدار بر زین تزیینی و یراق اسب..... ۱۴۶
- تصویر شماره ۴۰: نقش لباس خسرو، طاق‌بستان..... ۱۴۷
- تصویر شماره ۴۱: نقش حیوان اساطیری که هنرمندان ایرانی..... ۱۴۷

تقدیم به پدر و مادر مهربانم و به آنان که گفتار مقدس "ز گهواره تا گور دانش
بجوی" چراغ دانش را در جان من برافروختند.

پیشگفتار

از صورت چهارپایان، هیچ صورت نیکوتر از اسب نیست
خیام، نوروزنامه

شکل گیری ایده نگارش این کتاب پس از مطالعات من در نگاره های عصر صفوی و به خصوص شاهنامه شماره w602 محفوظ در مجموعه والترز آغاز شد. حیواناتی زیبا، آراسته، رنگارنگ که گاهی سر تا پای آنان را زین ابزارهای گوناگونی در بر می گرفت و گویی صدای شیهه و هُرم نفس هایشان را می شد از تصویرها دریافت. علاقه من به نقش اسب در زندگی پیشینیان، مرا به سرآغاز تمدن در ایران باستان راهبر شد؛ بدان زمان که هنوز اسب وارد زندگی ایرانی بومی نشده بود. از این رو که با کمال شگفتی بدین امر پی بردم که اسب نه تنها وارث زین ابزار و رزه گاوان جنگی و بار و بُنه آنان شده بود، بلکه نقش اساطیری آن ها را نیز تصاحب کرده بود. نقوش گاوان، شیران و برخی حیوانات افسانه ای در بسیاری از یادگارهای تاریخ باستان به چشم می خورد اما زمانی که اسب در زندگی ظاهر می شود، بال درآورده و صاحب صورتی آسمانی نیز می شود.

صورت های زمینی یا آسمانی اسب هیچ کدام نتوانستند بر یکدیگر پیشی بگیرند و هیچ جنبه ای از وجود آن در هیچ دوره تاریخی مغفول نماند. اگر چه معراج حضرت محمد (ص) صورت آسمانی اسب را با "بَراق" وارد اسلام کرد و مایه اهل ذوق برای آفرینش های هنری و ادبی فراوان شد، اما این صورت آسمانی و معنوی باز مقید به براق نشد و شاعران و عارفان مسلمان، از اسبان جان سخن راندند که می تواند هر انسانی را پله پله تا ملاقات ذات باری تعالی سوق دهد.

کتاب حاضر را می‌توان به‌نوعی ادامه فرس‌نامه‌نویسی دانست که در فرهنگ ما پیشینه دراز دارد. اما نمی‌توان این را کتابی در ستایش اسبان و دستنامه‌ای برای اسب دانست؛ بلکه تلاشیست خرد برای بازنگری رابطه انسان - حیوان و در نگاهی جامع‌تر، رابطه انسان - طبیعت؛ و این‌جا شاید اسب از آن‌ نظر که بار تمدن را تا عصر ماشین به دوش کشیده‌است، نماد مناسبی باشد برای ادای دین انسان به نوع حیوان! از این‌رو، این کتاب سیریس‌ت از سمند رزمگاه و نبرد تا اسبان جان، از انگاره فرودین نوع حیوان تا والاترین جایگاه ذهنی آن.

در نگارش کتاب سعی بر اختصار‌گویی و خودداری از تفصیل مطلب بوده‌است و بر همین اساس از ذکر بسیاری از یافته‌های تاریخی و تتبعات ادبی و هنری و گزارشات و تصاویر صرف‌نظر گردید. مانند هر تحقیق و نوشته‌ای، این مورد نیز مصون از خطا نبوده و امید است خوانندگان گرامی با یادآوری آن‌ها، امکان تصحیح کتاب را در چاپ بعدی فراهم سازند.

شهرکرد - بهار ۱۳۹۶

Email: Jafari.nahid20@Gmail.com

فصل اول : اسب در اسطوره و تاریخ ایران

درآمد

اسب یکی از پراهمیت‌ترین موجودات زنده در زندگی انسان است. این جانور به لحاظ دارا بودن قابلیت‌های مختلف جسمانی و قابلیت اهلی شدنش، توانسته است نقش بسیار به‌سزایی در زندگی انسان بازی کند. رد پای اسب را می‌توان در شادمانی، سوگواری، جنگ، صلح، کشاورزی، دام‌داری، عشق و حماسه پیدا کرد. وجود گونه‌های بسیار متنوع این جانور، یکی دیگر از مزایای حضورش در زندگی انسان است. اسب‌ها به لحاظ تنوع نژاد، توانسته‌اند خود را با مقتضیات زندگی انسان در شرایط مختلف آب و هوایی و عوارض جغرافیایی گوناگون مطابقت داده و نیازهای متنوع انسان در سوارکاری و باربری و غیره را برآورده سازند. حضور اسب در زندگی انسان را می‌توان با آغاز تمدن بشری هم‌زمان دانست. این حیوان به‌خوبی توانسته خود را با روحیات انسانی مطابقت دهد و حتی سجایای برتر اخلاقی انسانی، از قبیل دوستی، وفاداری و نجابت را نیز از آن خود کند. توجه انسان به اسب را از همان شروع پیوند این دو می‌توان بازشناخت. از قدیمی‌ترین غارنگاره‌ها و کتیبه‌ها و الواح تا سایر ابزارها و تزئینات موجود در زندگی انسان، اسب حضور چشم‌گیری دارد. گفته می‌شود خاستگاه اسب اهلی، آسیای میانه یا همان سرزمینی‌ست که در جغرافیای اساطیری ما توران نامیده می‌شود. اما حضور فعالانه و بسیار بارز اسب در خاورمیانه را در محل تلاقی فرهنگ‌ها و مذاهب گوناگون، جنگ‌ها و صلح‌ها، مسیر مهاجرت‌های بزرگ، و سرزمین عشق‌ها و افسانه‌ها، می‌توان دید. به مدد همین غنای منابع تاریخی، ما می‌توانیم به بررسی رابطه انسان با این حیوان در سرتاسر تاریخ بشری بپردازیم. اسب جزو معدود حیواناتی بود که توانست رابطه عاطفی با انسان برقرار کند. حیواناتی مانند سگ،

خر، گاو و گوسفند نیز در فضای احساسی و تخیل بشر حضور پیدا کرده‌اند، اما کاربرد و قابلیت‌ها و انعطاف‌پذیری انسان‌گونه این حیوان، موجب شد تا انسان ارج و بهای بیشتری برای اسب قائل شود. همان‌گونه که انسان هنرمند برای تزیین اسب ارزش قائل بود، در ساخت سایر ابزار و اسباب خویش نیز از شکل اسب الهام می‌گرفت. (تصاویر شماره ۱ و ۲)

به‌مانند ساحه هنر، در ادبیات، مذهب، عرفان و سایر ابعاد ذهنی و عینی می‌توان به حضور نقش مثبت این حیوان پی‌برد. اسب به لحاظ اصالت، نژادگی، غرور و زیبایی ستوده می‌شود. در وصفش شاعران زبان به شعر می‌گشایند، صنعتگران زیبایی‌اش را به تصویر می‌کشند. افسانه‌سرایان از وی داستان‌ها می‌سرایند و مذهبیون در تمثیلات اخلاقی و عرفانی خود از وی بهره می‌جویند و این‌گونه است که اسب در زندگی بشری ماندگار می‌شود. علاقه ایرانیان باستان به این جانور چالاک و نیرومند را در نام‌گذاری شخصی آنان می‌توان مشاهده کرد. نام‌های زیادی از ایرانیان باستان به پسوند اسب ختم می‌شده‌است. از جمله این نام‌ها می‌توان به: گرشاسپ (دارنده اسب لاغر)، ارجاسب (دارنده اسب ارجمند)، لهراسب (تنداسب)، ویشتاسپ، گشتاسپ (دارای اسب از کار افتاده)، جاماسپ، تهماسپ (دارای اسب فربه یا دارای اسب نیرومند)، هوسپ (دارای اسب خوب)، گشنسب (دارای اسب نر و دلیر)، شیداسب (دارنده اسب شیدور و درخشان)، بیوراسب (نام ضحاک، دارنده ده‌هزار اسب)، خروتاسب (نام پدر ضحاک، دارنده اسب سهمگین) اشاره کرد. در فهرست نیاکان زرتشت پیامبر نیز به نام‌هایی با همین پسوند برمی‌خوریم.^۱

در ایران باستان اهمیت زیادی برای اسب قائل می‌شده‌اند. در کنار آثار هنری و

سایر توجهاتی که صاحبان جِرف و صنایع به اسب داشته‌اند، در دین اوستایی نیز به اسب توجه فراوانی شده‌است. در معجزاتی که به زرتشت نسبت داده می‌شود، درمان بیماری اسب سیاه گشتاسب^۱ پادشاه نیز دیده می‌شود، درحالی که مغان، پزشکان و بیطارانِ دربار که مخالفان زرتشت نیز بودند از درمان اسب محبوب پادشاه بازمی‌مانده‌اند. زرتشت که محبوس پادشاه است، پس از ناتوانی پزشکان کارآزموده، بیماری عجیب اسب را درمان می‌کند و در قبال آن، علاوه بر آزادی خود و خانواده‌اش، پادشاه را به دین خود درمی‌آورد^۲. این حکایت در منابع دیگری از جمله: زراتشت‌نامه^۳، دینکرد هفتم^۱ نیز آمده‌است.

این حکایت علاوه بر نشان توجه زرتشت به پرهیز از حیوان‌آزاری، بیانگر توجه این پیامبر به دامپزشکی نیز هست. همچنین می‌توان دریافت که اسب در میان پادشاهان و اشراف به چنان درجه‌ای از اهمیت رسیده‌بوده که در قبال درمان آن، دین رسمی کشور نیز تغییر می‌یابد. در بخشی از وندیداد از حقوق دامپزشکان سخن می‌رود. این متن‌ها از قدیمی‌ترین منابع درباره تاریخ دامپزشکی در ایران و جهان محسوب می‌شود.^۲ تاریخ بلعمی، زرتشت را اولین کسی می‌داند که زین کردن اسب را سنت نهاده‌است.^۳

توجه به اسب با ظهور زرتشت یا گشتاسب شروع نشده‌بود^۴، در باورهای میتراپی که در اوستا حفظ شده‌اند، همین توجه جدی به اسب وجود دارد. میترا سوار بر گردونه مهر که انباشته از افزار جنگی است، همراه با امشاسپندان و فرشتگان، از

۱ راشد محصل، محمدتقی، ۱۳۸۹ش، صفحه ۲۴۲؛ در اینجا مشخصاً از درمان فلج اسب پادشاه سخن گفته می‌شود.

۲ و دارمستتر، ۱۳۸۸ش، صفحه ۱۵۱

۳ بلعمی، محمد، ۱۳۵۳ش، صفحه ۱۲۹

شرق به غرب می‌تازد تا پیمان‌شکنان و دروغ‌زنان را آماج تیرهای خود قرار دهد. گردونه مزین و زرین میترا را چهار اسب سپیدرنگ می‌کشند که از چراگاه‌های مینوی خوراک می‌یابند. سم‌های پیشین این اسبان زرین و سم‌های پسینشان سیمین است.^۵ این، یکی از کهن‌ترین باورهای آریایی است که نظیرش را در اساطیر هند دیده می‌شود. در توصیفات اوستا توجه جدی ایرانیان باستان به اسب و تزئین این حیوان کاملاً مشهود است و به نظر می‌رسد چنین توصیفی باید مدت‌ها پس از رام‌شدن اسب و حضور آن در زندگی روزمره صورت گرفته باشد. در تیریش، تیشتر یا فرشته باران، به صورت اسب سپید زیبایی با گوش‌های زرین و لگام زرنشان با آپوش یا فرشته خشک‌سالی که به صورت اسبی سیاه و ترس‌ناک، با گوش‌ها و گردن و دم کل، درآمده است به نبرد می‌پردازند و سرانجام تیشتر پیروزمند گشته و آب به کشتزارهای ایران سرازیر می‌شود.^۱

اهمیت فوق‌العاده اسب در قسمت‌های دیگر اوستا نیز دیده می‌شود. در اوستا ارزش یک اسب خوب، برابر با هشت گاو آبستن دانسته شده است.^۲ در بهرام‌یشت، از بینایی قوی اسبان، سخن رانده می‌شود که در یک شب تاریک بی‌ستاره و ابری، توان تمیز موی یال یا دم اسب را از همدیگر دارند.^۳ در هات یازدهم از نفرین اسب بر سوار ناکار آزموده سخن می‌رود.^۴ در مهریشت، از نماز و نیایش ارتشتاران بر پشت اسب‌ها، یاد می‌شود که زور و تندرستی برای اسبان و خود می‌طلبند تا در رزم بر هم‌آوردان خویش پیروز شوند.^۵ چنین اهمیتی را در تیره‌های دیگر آریایی هند و ایرانی نیز می‌توان مشاهده کرد. در جای‌جای ادبیات باستانی هند، به اسبان

۱ دوستخواه، جلیل، ۱۳۸۸ش، صفحه ۳۲۹ به بعد

۲ پورداوود، ابراهیم، ۱۳۹۰ش، صفحه ۲۳۶

و گردونه‌های مجلل خدایان اشاره می‌شود. در ریگ‌ودا، مهابهارات، راماین و دیگر کتب هندو، اشارات فراوانی به اسبان و ارابه‌های مجلل رفته‌است.^۹ یادکردهای ودایی از گردونه‌های مجلل آریایی‌های پیشین را به قبل از ورود این اقوام به سرزمین‌های جدید مربوط می‌دانند. زیرا آب و هوای شبه‌قاره هند، به جز در قسمت‌هایی از سند و پنجاب برای نگاه‌داری و بهره‌کشی از اسب مناسب نمی‌باشد.^{۱۰} چنان‌که نظامی گنجوی نیز چند هزار سال بعد، این مسئله را متذکر شده‌است.^{۱۱} برابر اطلاعات موجود، زندگی هندوان و ایرانیان باستان، با اسب کاملاً گره‌خورده بوده و همین امر موجب شده بود که این حیوان سودمند در باورهای مذهبی و هنر این مردمان جای پای باز کند. (تصاویر شماره ۳ و ۴) اهمیتی را که اسب در فرهنگ ایران مالک بود، به سنتی وابسته به پیش از ورود خود به صحنه زندگی این مردمان مدیون بود. در فرهنگ سومری نشانه‌هایی از وجود اسب دیده نمی‌شود و گویا همسایگان مجاور آنها در تپه حسن‌لو نیز تا پیش از هزاره اول قبل از میلاد، با این حیوان آشنایی نداشته‌اند. شواهد باستان‌شناسی و زبان‌شناسی زبان‌های هندواروپایی، چنین می‌نمایند که اقوام آریایی پیش از مهاجرت به سرزمین‌های بعدی خود، با اسب آشنایی داشته‌اند و آن را با خود به کوچ برده‌اند.^۲ در جام معروف حسن‌لو دیده می‌شود که گردونه‌ها بر ورزۀ گاوان بسته شده‌اند و حمل‌ونقل و تاخت‌وتاز سپاهیان این تمدن، بر یوغ گاوان گذارده شده‌است.^{۱۱} (تصویر شماره ۵)

جَلواره، نمادی برای تقدیس حیوانات

بر تن یکی از این گاوها پوشش خاصی دیده می‌شود که گویا هدف اصلی آن،

۱ پوردوود، ابراهیم، ۱۳۹۰ش، صفحه ۲۳۶

۲ ویر گوردون چایلند، ۱۳۸۶ش، صفحه ۱۲۴

محافظت از پیکره حیوان در برابر تیغ دشمنان است. در نگاره‌های دوره اسلامی که عموماً صحنه‌های رزم را بازگو می‌کنند، چنین پوششی بر تن اسبان به‌وفور وجود دارد. در این نوع از پوشش‌ها، تزئینات هنری چندانی به چشم نمی‌خورد. بافت ضخیم و کاربرد این پوشش، جای چندانی برای ابراز وجود هنرمندان باستانی نمی‌گذاشته‌است. اما نبود اسب در زندگی مدنی ساکنین حسن‌لو در پیش از هزاره اول پیش‌ازمیلاد، بدین معنا نیست که هنری را که ما به‌عنوان رو انداز، جل و جل‌بافی دنبال می‌کنیم در بین ماننایی‌های حسن‌لو جست‌وجو نکنیم. با کمال شگفتی، در سوی دیگری از جام حسن‌لو، ما نقش برجسته شیربان و شیری را می‌بینیم که بر تنه آن بافته‌ای زیبا دیده می‌شود. منسوج موجود بر روی دوش شیر، دارای همان طرح بافتی است که بر روی پوشاک شیربان است. شیر در حالت کرنش نشان داده‌است که نشان از رام‌شدگی کامل آن است. نقش شیرهای رام‌شده در تمامی کتیبه‌های دوره باستان، نقشی آشناست که حاکی از قدرت‌مندی حاکمان در چیرگی بر جامعه، دشمنان و شاید هم، نفس خویش است. وجود جل بر روی شیری که امکان سواری بر آن وجود نداشت، پرسشی است که بیننده را به اندیشیدن وادار می‌سازد. (تصویر شماره ۶)

در جست‌وجوی پیشینه بافت و به‌کارگیری جل، انتظار می‌رود این صنعت را هم‌زمان با آغاز تاریخ سوارکاری بیابیم، اما نخستین بافته‌ها به‌مانند شیر حسن‌لو، بر پیکره حیواناتی مشاهده می‌شود که کارکرد نمادین و آیینی آن را آشکار می‌سازد. گویا سنتی را که در تمدن ماننایی حسن‌لو رایج بوده، برخلاف زبان و برخی اساطیر آنان، به خاموشی نگرایید و ادامه یافت که ما نمونه‌هایی از آن‌ها را در هنر دوران اسلامی می‌توانیم مشاهده کنیم. (تصویر شماره ۷)

شاید از دید معنوی و نشانه‌شناختی، می‌شود چنین تفسیر کنیم که این تزئینات به‌منزله نشان از قدرت‌مندی و رام‌شدگی نفس یا اژدهای درون و به‌طور کلی چیرگی بر نفس بهیمی باشد. آراستن گاو و گوسفندان را که می‌بایست قربانی شوند، هنوز در ایران رایج است^{۱۲} و در مناطق بومی کشور علاوه بر تن و گردن حیوان، شاخ‌های آن‌را به زیبایی می‌آرایند.

کارکرد آیینی جل و یا آن‌چه را که ما اینجا ناگزیر به آن نام جل‌واره را پیش‌نهاد می‌کنیم در سایر فرهنگ‌های باستانی قابل مشاهده‌است و حتی لژیون‌های روم باستان در رژه‌های باشکوه خود از آن بر پیکر اسبان خود استفاده می‌کرده‌اند. (تصویر شماره ۸)

با پذیرش نقش نمادین نخستین جل‌ها بر پیکره حیوانات، غالب نمادهای موجود بر بالای نقش‌های حیوانی و همچنین طرح‌های موجود بر روی ظرف‌های ساخته‌شده به‌شکل حیوانات تخیلی-افسانه‌ای مکشوفه از تپه‌های تاریخی ایران باستان، اغلب در این بخش قابل بررسی هستند. بر روی بدنه این ظروف و در کنار حیوانات ما به طرح‌هایی برمی‌خوریم که آشکارا تداعی‌کننده طرح‌های منسوجات هستند. اما آنچه که مسلم است، اولویت طرح و نماد، بر خود جل‌واره یا منسوج می‌باشد.^{۱۳} (تصویر شماره ۹)

نمونه‌های نقوش حیوانات دارای جل‌واره در سرتاسر تاریخ گذشته دیده می‌شود. سفالینه‌های سیلک، شهرسوخته و شوش مملو از این طرح‌ها هستند. در پیکره شیرهای هخامنشی و نقوش تخت جمشید نیز این طرح‌ها به چشم می‌خورند و حتی در سایر ابزارآلات و اشیائی که با اشکال تنازعی جانوران ساخته می‌شدند، بدنه حیوانات با طرح جل‌واره پوشیده می‌شد.^{۱۴} (تصویر شماره ۱۰)

یکی از بهترین مواردی که می‌توان از آن‌ها به طرح زین‌ها و زین‌واره‌ها و همچنین نقوش باستانی پی برد، طرح موجود بر روی سفالینه‌هایی است که به شکل جانوران واقعی یا افسانه‌ای ساخته می‌شدند. این نوع از صنایع دستی با دقت هنری ویژه‌ای طراحی می‌شدند که فارغ از جنبه کاربردی آن کالا، نقشی از حیوانی را با مفاهیمی بسیار بدیع و انتزاعی در برمی‌گرفت و نقش زین به صورتی کاملاً مشخص بر روی محصول هنری نقش می‌بست. (تصاویر شماره ۱۱، ۱۲ و ۱۳) نمونه‌ای از سفالینه‌های ساخته‌شده به شکل انتزاعی که نقش کامل زین و منسوجات ایران باستان را به خوبی حفظ کرده‌اند.